

فاسیونالیسم در ایران

ریچارد کاتم

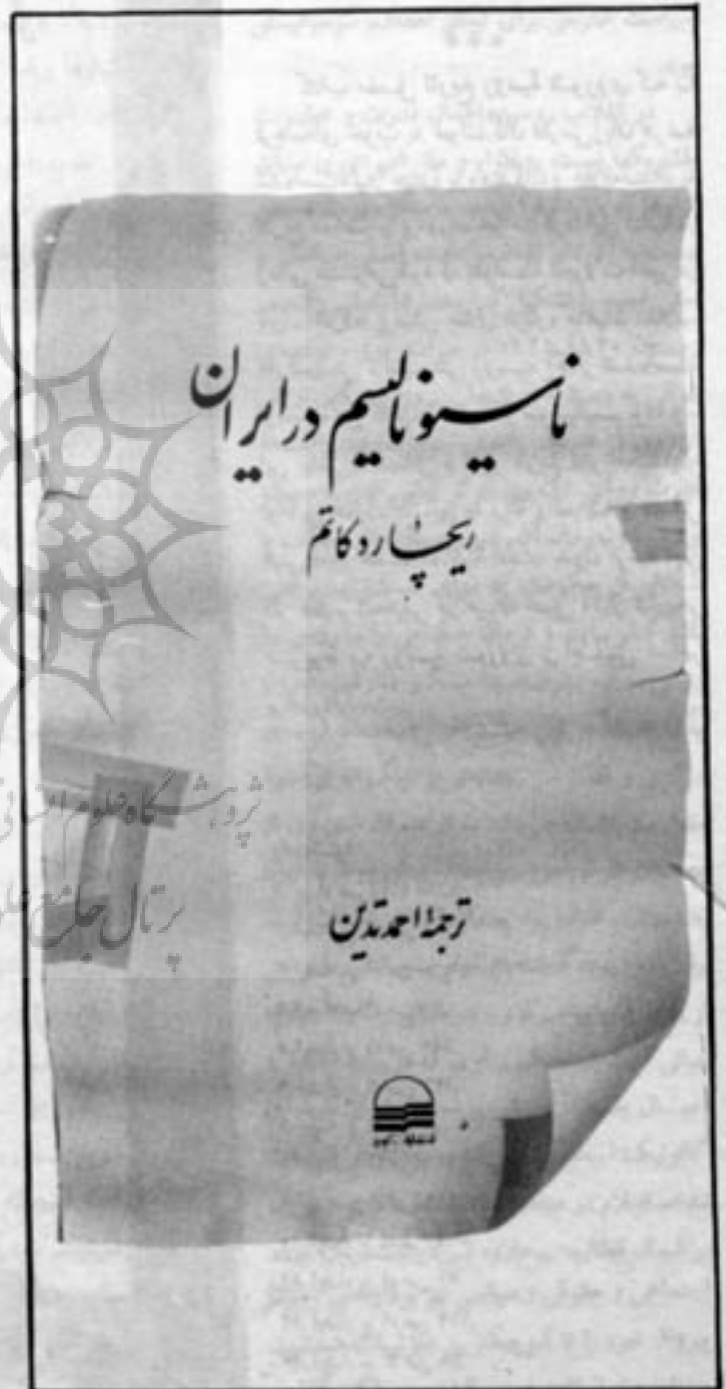
سیامک شمس

ترجمه احمد تدین - تهران، کویر، ۱۳۷۱. چهل و دو + ۴۵۷ ص.

ناسیونالیسم در زمره اصطلاحات و ایدئولوژیهای دوره جدید غرب است و مانند تمام ایدئولوژیها ریشه در فلسفه قرون اخیر دارد. در اروپا، با ظهور طبقه بورژوا و بسط لیبرالیسم، اولین علائم ناسیونالیسم آشکار شد. این امر در نتیجه جدایی دین و دولت و در اثر بروز تفکر «نیست انگار» تحقق یافت. در دو قرن گذشته، ناسیونالیسم در کنار سایر ایدئولوژیهای فلسفی، همچون پت عیار در صحنه ظاهر شد و در خدمت منافع طبقه بورژوا و نهایتاً امپریالیسم قرار گرفت. در این دوره، هومانیسم و ناسیونالیسم شالوده تمدن جدید و لیبرالیسم، روح آن محسوب می‌شد. جهان غرب با اخذ این مرام، تحولات، انقلابها و جنگهای قارهای و جهانی سهمگینی را تجربه کرد.

در دو قرن گذشته، سیطره فرهنگ و تمدن غرب در شرق ادامه داشته است. غرب ذاتاً در صدد آن بوده و هست تا سایر فرهنگها و تمدنها را به ماده‌های مناسب برای صورت نوعی خود تبدیل کند. به این لحاظ از آغاز استعمار شرق، نظریه و مرام ناسیونالیسم نیز در این سرزمینها بسط یافت و تحولات اجتماعی گوناگونی را به وجود آورد. در ایران، آثار و علائم جنبی این مسلک را از آغاز نهضت تنباکو و در کنار این جنبش می‌توان مشاهده کرد. قبل از این جریان، منورالفکرهای ایرانی عصر قاجار، واژه ناسیونالیسم را مطابق روح فلسفی و سیاسی آن تعبیر و تفسیر کرده بودند. ظاهراً برای اولین بار در عثمانی کلمه "Nations" را «ملت» ترجمه کرده‌اند و این تعبیر در ایران نیز اشاعه یافته است. مفهوم جدید واژه ملت، معنای حقیقی آن را مستور ساخت؛ چرا که قبل از این، ملت به معنی دین، کیش و شریعت بود. در تاریخ دوره اسلامی ایران، واژه‌های امت و ملت از یکدیگر منفک نبودند؛ چون در قرآن نیز امت به معنی پیروان انبیا آمده است. به این ترتیب، ناسیونالیسم که از آثار و نشئون سیاسی و فرهنگی تجدد محسوب می‌شد، حجاب معانی و مفاهیم امت و ملت گشت.

کتاب ناسیونالیسم در ایران تألیف ریچارد کاتم، در زمره آثار تحقیقی قابل تأملی است که سیر جریان ناسیونالیسم در ایران را از منظر خاصی مطالعه و بررسی کرده است. این نویسنده در دو دوره ۱۳۲۹-۳۰ و ۱۳۳۴-۳۶، در ایران به عنوان محقق دانشگاهی و مقام سیاسی سفارت آمریکا حضور داشته و اصل کتاب در سال ۱۹۶۱ نگاشته شده است. مؤلف در ۱۹۷۹ فصل دیگری را با عنوان «پانزده سال بعد» بدان افزوده است. در اینجا باید متذکر شد که ریچارد کاتم به عنوان یک فرد لیبرال، به مفهوم ناسیونالیسم نظر داشته و طبعاً ماهیت آن را از لحاظ حکمی و فلسفی مورد پرسش قرار نداده است؛ اما به جنبه عارضی ناسیونالیسم ایرانی دوره جدید اذعان داشته و این مسلک غربی را در خارج از بستر اصلی تاریخی خود، قابل بسط و توسعه دانسته



است. وی نخست به جنبه‌های بارزی از وطن دوستی ایرانیان در ادوار گذشته اشاره کرده، اما ناسیونالیسم سیاسی و فلسفی را محصول اندیشه غربی دانسته و ضمن بیان خصوصیات تجدطلبانه آن، وجوه افتراقش را با وطن دوستی سنتی مردم ایران برشمرده است. سپس به تحولات پر فراز و نشیب آن در تاریخ معاصر ایران اشاره کرده و اکثریت مردم ایران، یعنی کارگران و دهقانان راه بیگانه با معنا و مفهوم آن ذکر کرده است.

ضعف عمده این تحقیق آن است که بروز تفکر ناسیونالیستی را در اندیشه مروجان اصلی آن، یعنی منورالفکران ایرانی عصر قاجار و تاثیر آثار و اعمال آنها را در تحولات بعدی، ریشه‌یابی نکرده و عمدتاً به شرح وقایع و حوادث پرداخته که رنگ و نمای روشنفکری و ناسیونالیستی داشته یا در تعارض با آن رخ داده است. در اینجا به خاطر این تقیصه مهم باید متذکر شویم که تکوین اندیشه‌های ناسیونالیستی در میان منورالفکرانی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده، عبدالرحیم طالبوف، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، زین‌العابدین مراغه‌ای، حاجی محمدعلی سیاح محلاتی، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا حسین خان سپهسالار، سید حسن تقی‌زاده و دهها تن دیگر، زمینه‌ساز نهضت‌های ملی در کنار انقلاب‌های مذهبی بود. تعدادی از این منورالفکران هرچند درد دین نداشتند، اما درد وطن داشتند و به مردم سرزمین خود دل‌بسته بودند و جز به ترقی و پیشرفت مادی کشور و مجد و عظمت آن به چیز دیگری نمی‌اندیشیدند. اما، برخی دیگر چنان طالب فرنگی شدن بودند که از تسلیم کردن ملک و ملت به استعمارگران ابایی نداشتند. اکثر این افراد نه تنها با آداب و عادات فرنگیان درآمیختند، بلکه خود در زمره حقوق‌بگیران آنها درآمد و جذب محافل و انجمن‌های سری آنان گشتند. سراسر تاریخ دوره قاجار حکایت زیوناندیشی و خیانت‌های این‌گونه افراد خود فروخته است که علاوه بر خوش خدمتی و جاسوسی برای بیگانگان، خود از عوامل مهم انعقاد قراردادهای سیاسی و اقتصادی سنگین با استعمارگران بودند. شیفتگی منورالفکران ناسیونالیست نسبت به فرهنگ و تمدن اروپایی و سرسپردگی آنان در برابر کارگزاران استعمارگر غرب، مستلزم تغییر و تحول در تمامی عادات و آداب و احوال مذهبی و فرهنگی یعنی، ترک مذهب، تغییر لباس، تغییر عطر و اقتباس از آداب و رسوم فرنگی در روابط و مناسبات اجتماعی بود. ناسیونالیسم در ایران با فقدان تفکر و تذکر و اصرار بر جدایی سیاست از دین، آغاز شد و ناسیونالیست‌ها نه تنها با ریشه‌های فرهنگ و تمدن گذشته خود قطع رابطه کردند، بلکه نهالی را که متعلق به اقلیم دیگری بود در سرزمین خود کاشتند، تا چگونه بروید و چه ثمری از آن حاصل آید. ظهور ناسیونالیسم در ایران با آگاهی از مضار استبداد سلاطین و غفلت از ماهیت فرهنگ و تمدن غرب آغاز شد و منورالفکران تجدطلب بر اخذ بی‌چون و چرای فرهنگ و تمدن مغرب زمین اصرار و

پافشاری کردند. تأکید میرزا ملکم‌خان بر «اخذ تمدن فرنگی، بدون تصرف ایرانی» و شعار حسن تقی‌زاده مبنی بر «فرنگی شدن از فرق سر تا نوک پا» همه و همه دلالت بر تقلید کورکورانه از فرهنگ و تمدن غرب دارند. اما متأسفانه در کتاب حاضر تمامی این قضایا به فراموشی سپرده شده و به چگونگی افشاندن شدن بذره‌های این جریان در ایران اشاره نشده است. این امر سبب گستگی خط و ربط حقیقت موضوع و تزلزل بحث شده است. البته، بعضی از تحلیل‌ها و اطلاعاتی که نویسنده ارائه داده، در نوع خود قابل توجه و شایان ذکر است. به همین خاطر باید اذعان داشت که در این عرصه بعضی از نظریات نویسنده قابل قبول و بعضی دیگر سست می‌باشند.

عمده مباحث کتاب حاوی ارتباط ناسیونالیسم با تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در دوران مشروطه و بعد از آن، چگونگی برخورد ابلها و هشایره کردها، اقلیت‌های مذهبی، رهبران جدایی طلب و گروه‌های چپ با ناسیونالیسم و ظهور ناسیونالیسم لیبرالی در ایران است. نویسنده، رضاخان را یک ناسیونالیست دو آتفه دانسته و از او به عنوان مجری اهداف و نظریات دیگر ناسیونالیست‌های ایرانی یاد کرده است. به نظر وی: (رضاشاه با تمامی توان خود می‌خواست ایران را به صورت یک دولت ملی به سبک کشورهای غربی برآورد. اما در این رهگذر دست‌کم یک چیز را فراموش کرد و آن این‌که ایران را به ابزارهای یک دولت مستقل یعنی مردمی با بلوغ سیاسی مجهز نماید).^۱ البته، سایر نظریات نویسنده در مورد دو پادشاه سلسله پهلوی و تمجیدها و انتقاداتش از اقدامات آنها، از بی‌شخصی خاص وی نشأت می‌گیرند. بعضی از این نظریات متکی بر واقعیات، اما بدون از حقیقت‌اند. در این میان، نظر نافذ مؤلف به ترکیب فرهنگی و سیاسی ایران در دهه ۳۰ پیش‌بینی اوضاع آینده قابل تأمل است: (اگر بناسر روزی بین ارزش‌های دینی و ملی تعارض و برخورد روی دهد، این تعارض در ایران خواهد بود و این کشور در زمینه کنش متقابل ارزش‌های دینی و ملی مثال خوبی است).^۲

نظریات ریچارد کاتم در مورد ناسیونالیسم در ایران، با بی‌شخصی او کاملاً درهم آمیخته‌اند. لذا با توجه به ماهیت ناسیونالیسم و عدم سنخیت آن با فرهنگ ایرانی - اسلامی ما، خواننده کتاب حاضر به تصویر روشنی از حقیقت موضوع دست نخواهد یافت؛ اما در عین حال به اطلاعات و تحلیل‌هایی خواهد رسید که در نوع خود قابل تأمل هستند. به رغم آن‌که نویسنده به آینده ناسیونالیسم در ایران خوشبین است، اما باید اذعان داشت که در این عصر فروریزی ایدئولوژی‌های فلسفی و تعارض‌های بنیادی فرهنگ ما با فرهنگ غرب، ناسیونالیسم در ایران در حال بحران است.

۱. ص ۱۳ کتاب.

۲. ایضاً، ص ۳۹.